

## تحلیل ویژگی‌های آوایی و صرفی مشترک قرآن قدس با برخی متون کهن و گویش‌های ایرانی نو

یوسف محمدنژاد عالی زمینی\*

بهجت قاسم زاده\*\*

### چکیده

قرآن قدس یکی از متون قابل توجه دوره رشد و تکوین زبان فارسی (قرن ۴ و ۵) است، زبان آن آمیزه‌ای از فارسی، عربی و عناصر گونه‌ای-گویشی قلمداد می‌شود و از نظر آوایی و صرفی ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. با توجه به ارتباطی که این متن با زبان فارسی میانه دارد و اینکه بسیاری از صاحب‌نظران مکان نگارش آن را جایی در حوالی سیستان می‌دانند، هدف از انجام این پژوهش مقایسه برخی از ویژگی‌های آوایی و صرفی قرآن مترجم با فارسی میانه، متون پازند، متون فارسی-یهودی و برخی از گویش‌های ایرانی رایج در جنوب شرقی ایران بوده است. نتایج برآمده از بررسی داده‌های موجود که عموماً به صورت کتابخانه‌ای به دست آمده‌اند، نشان می‌دهند که این اثر در برخی ویژگی‌های آوایی چون تحول /w/ آغازی و میانی، عدم تحول /d/ میان‌واکه‌ای و تحول /h/ آغازین با متون پازند و در مواردی گویش‌های بلوچی، رودباری، سیستانی و کرمانی مشابهت دارد، برخی ویژگی‌های صرفی آن، چون تکواژ موصولی نانوشتۀ «-»، پسوند مصدرساز «-شت» و تمایز معنایی دو حرف اضافه «ب/ بد» و «بی» در متون فارسی-یهودی نیز مشاهده می‌شود و واژه‌هایی از فارسی میانه را نیز در خود حفظ کرده است.

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،  
mnezhad.y@gmail.com

\*\* دکترای تخصصی فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰

**کلیدواژه‌ها:** قرآن قدس، فارسی میانه، متون پازند، متون فارسی-یهودی، زبان بلوچی، گویش رودباری، گویش سیستانی

## ۱. مقدمه

بنا بر گزارش ابن مقفع، در اواخر دوره ساسانی علاوه بر فارسی میانه که زبان رسمی، اداری، ادبی و دینی آن دوران به شمار می‌آمد و ساختاری نسبتاً کهن را حفظ کرده بود، زبان دری نیز به عنوان زبان محاوره‌ای رایج در دربار و پایتخت مورد استفاده بود. این زبان که تنها یک گونه تحول‌یافته‌تر از خود فارسی میانه بود، ظاهراً از همان هنگام به فارسی (فارسی نو) رایج در متون اولیه شباهت داشت و به عنوان زبان ارتباطی در تمامی شاهنشاهی ساسانی به کار برده می‌شد. احتمالاً زبان فارسی دری از همان دوران در خراسان به طور کامل جایگزین زبان پارسی شده بود و کشورگشایی مسلمانان موجب شد که قلمرو رواج آن به طرز قابل توجهی گسترش یابد (اشمیت، ۱۳۸۵: ۴۳۷).

در زمینه قدیمی‌ترین آثار باقی‌مانده از این زبان نظرهای گوناگونی وجود دارد و برخی، همچون علی‌اشرف صادقی (۱۳۵۷: ۴۱) قدیمی‌ترین نمونه‌های به‌دست‌آمده از آن را متعلق به زمان بهرام گور و قرن پنجم هجری و برخی، همچون ناتل خانلری قدیمی‌ترین متون آن را متعلق به قرن چهارم می‌دانند و زبان فارسی دری را به سه دوره اول (=دوره رشد و تکوین زبان فارسی)، دوره دوم (=دوره فارسی درسی) و دوره سوم (=فارسی معاصر) تقسیم‌بندی می‌کنند (ناتل خانلری، ۱۳۷۷: ۴۱ و ۳۵۹).

بنا بر نظر برخی صاحب‌نظران و با توجه به متون، می‌توان گفت که فارسی گفتاری در سده‌های نخستین دوره اسلامی به هیچ روی زبانی یکپارچه نبوده است و شمار فراوانی از گونه‌های محلی در آن وجود داشته که آن‌ها را می‌توان در دو گروه گویشی عمده دسته‌بندی کرد. گروه گویشی اول در شمال شرقی، خراسان، ماوراءالنهر و شمال سرزمین کنونی افغانستان رواج داشته<sup>۱</sup> و گروه گویشی دوم در جنوب از خوزستان تا سیستان را در بر می‌گرفته است (اشمیت، ۱۳۸۵: ۴۷۳)، (لازار، ۱۳۸۴: ۲۰۱).

کهن‌ترین برگردان قرآنی که تا به امروز شناخته شده، «تفسیر طبری» است که پیش از نیمه قرن چهارم و در دوران حکمرانی منصور بن نوح سامانی و بنا بر دستور او فراهم شده است (همان: ۱۵۷). با این حال، پس از تفسیر طبری ترجمه قرآن قدس<sup>۲</sup> از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و تفاوت‌های فاحش آن با تفسیر طبری و دیگر متون دوره تکوین و نیز

وجود برخی ویژگی‌های دستوری و واژه‌های اصیل و گویشی در آن موجب شده که به عنوان مهم‌ترین نماینده گروه گویشی جنوبی قلمداد شود.

با توجه به اینکه کاربرد واژه‌های فارسی میانه در این متن قابل ملاحظه است و قرآن قدس با دیگر نمایندگان گروه گویشی جنوبی، چون متون پازند<sup>۳</sup> و فارسی-یهودی<sup>۴</sup> تشابهات نسبی دارد، هدف از انجام این پژوهش پرداختن به برخی ویژگی‌های آوایی و صرفی خاص و نیز برخی واژه‌های اصیل آن و در گام بعد مقایسه آن‌ها با برخی ویژگی‌ها و واژه‌های موجود در برخی متون کهن و گویش‌های ایرانی نو بوده است. به منظور رسیدن به این هدف در ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای، داده‌های مرتبط با موضوع از منابع جمع‌آوری و دسته‌بندی شده و در ادامه ویژگی‌های خاص این متن با ویژگی‌های مشترک در دیگر متون یا گویش‌ها مورد مقایسه قرار گرفته و منتج به نتیجه‌گیری نهایی شده است.

## ۱.۱ پیشینه پژوهش و ضرورت موضوع

نخستین بار علی رواقی در سال ۱۳۶۴ قرآن قدس را در دو مجلد و در قطع سلطانی به چاپ رسانده و پیش از آغاز متن، در مقدمه مفصلی به بیان ویژگی‌های این ترجمه قرآنی پرداخته است. بنا بر نظر رواقی زبان این اثر نمونه شایسته‌ای از ترکیب و آمیزش زبان فارسی میانه، برخی کلمات عربی و عناصر گونه‌ای و گویشی است و با توجه به متون گوناگون و رجوع به فرهنگ‌ها باید آن را متعلق به حوزه سیستان-کرمان دانست.

ژیلبر لازار از جمله پژوهشگران غیرایرانی است که در چند مقاله از مجموعه مقالات خود، در باب زبان فارسی نو و پیشینه آن، به بحث در باب قرآن قدس پرداخته و کم‌وبیش از قرآن قدس به عنوان مهم‌ترین و شاید تنها نماینده شاکله گونه جنوبی در مقابل گونه شمالی یاد کرده است. لازار در مقاله ششم از مجموعه مقالات خود با نام «شکل‌گیری زبان فارسی» به معرفی نسخه نویافته علی رواقی پرداخته، آن را هم‌گونه با متون فارسی-یهودی دانسته و بر این باور است که قرآن قدس دست پژوهشگران را برای نتیجه‌گیری در باب منشاء زبان فارسی و اهمیت گونه‌های غیررسمی و نیز جنوب غربی بازتر می‌کند.

لازار با استفاده از ادات فعلی و کلمات بسیار کهنه این ترجمه، زمان آن را حدود نیمه دوم قرن پنجم تخمین می‌زند و سپس با یافتن چند واژه متروک میان ترجمه مذکور و گویش بلوچی و مدیحه یعقوب لیث در تاریخ سیستان، منشاء متن را خود سیستان یا منطقه‌ای نزدیک به آن می‌داند. او همچنین در مقاله هشتم از این مجموعه با نام «پهلوی،

پازند و فارسی» به طرح پرسش مهم و همیشگی منشاء پازند می‌پردازد و در واقع نخستین دانشمندی است که به مشابهت ترجمه قرآن قدس و پازند و نیز اهمیت هر دوی آن‌ها برای مطالعات تطبیقی توجه می‌کند.

در سال ۱۳۷۹ جواد محمدی خمک فرهنگ‌نامه‌ای با نام «واژه‌نامه سگری» منتشر کرده است. این اثر علاوه بر پرداختن به تاریخ سکاها و معرفی زبان سیستانی، به بررسی معنای برخی از کلمات گویش سیستانی پرداخته و مؤلف در مقدمه قرآن قدس را کهن‌ترین نمونه مکتوب گویش سیستانی دانسته است. در سال ۱۳۸۶ نیز سید محمد عمادی حائری کتابی را با عنوان «قرآن فارسی کهن، تاریخ، تحدیدها، تحلیل» منتشر کرد و پس از معرفی چند نسخه از قرآن و تطبیق چندین آیه از سوره مائده قرآن قدس و ترجمه معروف به سوره مائده به این نتیجه رسیده که ترجمه قرآن قدس و سوره مائده چنان به هم نزدیک هستند که احتمال می‌رود دومی نسخه بدلی از اولی باشد. این اثر نخستین گام در بررسی علمی و زبان‌شناسانه ترجمه‌های نخستین قرآن به زبان فارسی است و این بزرگترین حسن آن به حساب می‌آید.

در زمینه قرآن قدس مقالاتی نیز به نگارش در آمده است که از آن جمله می‌توان به مقاله محسن صادقی و محمد راشد محصل با عنوان «نمونه واژه‌های قرآن قدس در گویش‌های خراسان جنوبی» و مقاله سهیلا صلاحی مقدم با عنوان «بررسی دو ترجمه آغازین، با دو گویش از قرآن مجید» اشاره کرد. در سال ۲۰۱۱ نیز الافیلینه ایتالیایی مقاله‌ای به زبان انگلیسی و با عنوان «زبان قرآن قدس و پس‌زمینه گویش سیستانی آن» منتشر کرده و تمام مقاله را در راستای راستی‌آزمایی فرضیه رواقی‌لازار در باب منشاء و مکان اثر، یعنی سیستان و حوالی آن قرار داده است.

از جمله پایان‌نامه‌هایی که در آن‌ها به قرآن قدس و رابطه آن با زبان فارسی میانه و برخی از گویش‌های ایرانی رایج در جنوب و جنوب شرقی ایرانی پرداخته شده، می‌توان به پایان‌نامه مریم کارگر برزی با عنوان «بررسی زبانی برگردان قرآن قدس» در سال ۱۳۸۹ و نیز پایان‌نامه حمیدرضا نیک‌روش (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی آوایی و صرفی ترجمه قرآن قدس و مقایسه آن با ترجمه سوره مائده و ترجمه تاج‌التراجم، ترجمه تفسیر طبری و ترجمه تاج» اشاره کرد.

با وجود منابع ارزشمندی که اجمالاً به معرفی آن‌ها پرداخته شد، تا کنون پژوهشی که به صورت مستقل و با دید تاریخی به معرفی برخی ویژگی‌های آوایی و صرفی خاص این

برگردان قرآن با ارزش پرداخته و آن را همزمان با فارسی میانه، متون پازند، متون فارسی-یهودی و برخی گویش‌های ایرانی مقایسه کرده باشد، صورت نگرفته و با توجه به اهمیت قرآن قدس و ویژگی‌های منحصر به فرد آن، انجام چنین پژوهشی ضروری و بایسته به نظر می‌رسد.

## ۲. داده‌های پژوهش: ویژگی‌های آوایی و صرفی مشترک قرآن قدس با متون و گویش‌های مورد بررسی

همان‌طور که گفته شد، قرآن قدس یکی از متون قابل توجه دوره رشد و تکوین زبان فارسی است که به احتمال زیاد در نیمه دوم قرن پنجم و در حوالی سیستان-کرمان به نگارش در آمده است. در زبان این متن که آمیزه‌ای از عربی، فارسی و عناصر گونه‌ای/گویشی است، علاوه بر واژه‌های اصیل فارسی میانه، ویژگی‌های آوایی و صرفی خاصی یافت می‌شود، که در دیگر متون دوره رشد و تکوین کمتر دیده شده است. با وجود این، پرداختن به تمام این ویژگی‌ها در یک مقاله نمی‌گنجد، از این رو در زیر تنها به بررسی برخی ویژگی‌های خاص و تعیین‌کننده این اثر و مقایسه آن‌ها با برخی متون کهن یا گویش‌های ایرانی رایج در جنوب و جنوب شرقی ایران پرداخته می‌شود.

### ۱.۲ تحول /w/ آغازی فارسی میانه به /g/ یا /gw/

/w/ آغازی ایرانی میانه که خود بازمانده /v/ آغازی در ایرانی باستان است و در فارسی نو پیش از واژه‌های /a/، /ā/، /ē/، /ī/ و /iy/ معمولاً به همخوان /ب/ و پیش از /i/، /u/، /ə/ و یا /r/ به /گ/ تبدیل شده<sup>۵</sup> (ابوقاسمی، ۱۳۷۵: ۲۲ و ۲۳)، در قرآن قدس عمدتاً با توجه به واژه پس از خود به صورت‌های گوناگونی تحول می‌یابد:

الف- این همخوان در صورتی که پیش از واژه /a/ یا /ā/ قرار گرفته باشد، معمولاً به همخوان لبی شده /gw/ و گاه به همخوان /g/ تبدیل می‌شود (کارگر برزی، ۱۳۸۹: ۲۶ و ۲۷)، به عنوان مثال:

فارسی باستان	فارسی میانه	برگردان قرآن قدس
*vartaka-	wardag	گورده (برده)
vasiy-	was	گوس (حس بسیار)

گورز- (عورز-)	warz-	*varza-
گواران (عباران)	wārān	*vār-
گراگر (عبرابر)	war	varah-
گهیشت (عهبشت)	wahišt	vahišta-
گها (عهبها)	wahāg	*vahāka-

ب- این همخوان پس از واکه /i/ یا /ī/ معمولاً به همخوان /g/ تبدیل می‌شود و در موارد اندکی نیز، مانند فارسی نو به صورت /b/ تحول می‌یابد (نیک‌روش، ۱۳۹۴: ۸۵)، به عنوان مثال:

فارسی باستان	فارسی میانه	برگردان قرآن قدس
*vah-	wihānag	گهانه (عهبانه)
*vīsta-	wīst	گیست (عیبست)
*vind-	windād-	گنداد- (عیافت-)
*vak-	wāng	بانگ
*vār-	wārān	باران
*vaina-ka	wēnāg	بینا

تحول /w/ آغازی به /g/ یا /gw/ را علاوه بر ترجمه قرآن قدس، می‌توان در متون پازند و همچنین متن‌های کهن فارسی-یهودی نیز دید و به عنوان مثال دو واژه wihān(ag) و wuzurg فارسی میانه در متون پازند به صورت gwaha و guzurg یافت می‌شوند (لازار، ۱۳۹۳: ۱۹۲). با توجه به اینکه این تحول در برخی واژه‌های گویش کرمانی و گویش رودباری کرمان (مطلبی و صدیقی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۲۵) نیز یافت می‌شود، برخی صاحب‌نظران، از جمله تفضلی (۱۳۷۶: ۱۱۹) منشاء پازندنویسی را از کرمان دانسته‌اند، اما باید توجه داشت که این ویژگی تنها منحصر به گویش کرمانی و رودباری نیست و گستره تحول /w/ آغازی به /g/ یا /gw/ در گویش سیستانی (فیلپنه، ۲۰۱۱: ۱۸۰-۱۸۴) و برخی از گویش‌های بلوچی نیز بسیار قابل توجه است (قاسم‌زاده، ۱۳۹۷: ۷۳ و ۷۴)، (کرن، ۲۰۰۵: ۹۸)، به عنوان مثال:

فارسی باستان	فارسی میانه	زبان بلوچی	فارسی نو
*vāta-	wād	gwāt	باد
*vāfa-	waf-	gwap-	باف- (بن مضارع بافتن)
_____	wak	gwak	بگ/وک (عقورباغه)
*vaina-	wēn-	gend-	بین- (بن مضارع دیدن)

بیش	giaš	wēš	vasyah-
بزرگ	gozer	wozorg	vazraka-

با توجه به داده‌های موجود می‌توان گفت که تحول /w/ آغازی به /gw/ یا /g/ یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد در ترجمه قرآن قدس است، که علاوه بر آن در برخی متون پازند نیز یافت می‌شود. این ویژگی افزون بر این در گویش کرمانی، رودباری، سیستانی و برخی گویش‌های زبان بلوچی رایج در ایران نیز همچنان رواج گسترده دارد و باید آن را یکی از حلقه‌های اتصال بسیار مهم و معنادار میان این زبان‌ها و گویش‌ها قلمداد کرد.

## ۲.۲ تحول /w/ میانی فارسی میانه به /h/

/w/ میانی فارسی میانه که خود بازمانده /v/ ایرانی باستان است، در فارسی نو معمولاً بدون تغییر باقی می‌ماند (باقری، ۱۳۸۳: ۸۴ و ۸۵). به عنوان مثال:

فارسی نو	فارسی میانه	فارسی باستان
شَو- (بن مضارع شدن)	šaw-	šiyava-
بَو- (بن مضارع بودن)	baw-	bava-

حال آنکه گویش به‌کاررفته در قرآن قدس از این قانون پیروی نمی‌کند و در آن همخوان /w/ میانی در دو بن فعلی پرکاربرد به همخوان /h/ تبدیل می‌شود، به عنوان مثال: ار بهد نیکوی [= اگر این نیکویی است] (نساء: ۴۰) می دوست دارید که جد خداوندان سلاح بهود شما را [= ترجیح می‌دهید که کسانی جز مردان سلاح با شما باشند] (انفال: ۷) بی خدای شهد کارها [= کارها به دست خدا راست شود] (جمعه: ۵۳) بشه تو و برادر تو [= بشوید/ بروید تو و برادر تو] (طه: ۴۲)

این ویژگی را علاوه بر قرآن قدس، می‌توان در ساخت‌های سوم شخص مفرد زمان حال از فعل‌های «بودن» و «شدن» متون پازند نیز یافت که به ترتیب به صورت /bahōt/ و /šahōt/ شَهْت آمده‌اند و از یک سو با bawēd و šawēd در فارسی میانه و از سوی دیگر با بُود و شَوَد در فارسی نو تقابل دارند<sup>۱</sup> (لازار، ۱۳۹۳: ۱۸۷). افزون بر این، همانطور که گرشویچ (۱۹۷۰: ۱۶۳) در مورد گویش‌های بشگردی خاطر نشان کرده و داده‌های مربوط

به برخی از گویش‌های زبان بلوچی نشان می‌دهند (قاسم‌زاده، ۱۳۹۷: ۷۴)، می‌توان ردپای این تحول را در برخی از گویش‌های ایرانی نیز یافت، به عنوان مثال:

فارسی باستان	فارسی میانه	زبان بلوچی	فارسی نو
bava-	baw	bah-	بَو- (بن مضارع بودن)
rava-	raw	roh-	رَو- (بن مضارع رفتن)
šiyava-	šaw	šoh-	شَو- (بن مضارع شدن)

با توجه به داده‌های موجود می‌توان گفت تحول /w/ میانی فارسی میانه به /h/ در قرآن قدس یکی از وجوه تمایز این برگردان با بسیاری از متون هم‌دوره خود است که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در متون پازند، گویش‌های بشگردی و برخی گویش‌های زبان بلوچی نیز یافت. این ویژگی دیگر بار بر ارتباط زبانی این گویش‌ها و متون صحه می‌گذارد و تعلق آن‌ها به یک حوزه گویشی را نشان می‌دهد.

### ۳.۲ عدم تحول /d/ میان‌واکه‌ای فارسی میانه

/d/ میان‌واکه‌ای فارسی میانه که در همه دست‌نوشته‌های فارسی کهن (به خط عربی) معمولاً با نقطه‌ای بر بالای آن و به صورت «ذ» نوشته می‌شده و این نقطه مقتضی تلفظ میان‌دندانی آن بوده است<sup>۷</sup>، در ترجمه قرآن قدس بدون هیچ تحولی حفظ شده است، به عنوان مثال:

فارسی میانه	برگردان قرآن قدس	فارسی نو
padiriftan	پدیرفتن	پذیرفتن
padiriftag	پدیرفته	پذیرفته
padirag	پدیره	پذیره
wider	گذر	گذر
wirdandan	گذشتن	گذشتن

عدم تحول /d/ میان‌واکه‌ای به «ذال» یا /d/ میان‌دندانی را علاوه بر قرآن قدس می‌توان در متون پازند و نیز متون کهن فارسی-یهودی نیز یافت و وجود واژه /padir/ در پازند و /pdyr/ در فارسی-یهودی می‌تواند به این معنی باشد که در فارسی گفتاری جنوبی «d/د» در همه حالت‌ها انسدادی بوده (لازار، ۱۳۸۴: ۱۹۲) و قرآن قدس نیز از همین الگو در تلفظ واژه‌های مربوطه پیروی کرده است.



## ۴.۲ تحول «ا» به «ی» (= فرایند اماله) در کلمات عربی

در زبان فارسی دری و به‌ویژه متون دوره اول، گاه واکه بلند «آ»ی میانی در کلمات عربی و گاه نیز در واژه‌های فارسی، به مصوت بلند «ی» تبدیل می‌شود و واژه‌هایی چون «فرستیدیم = فرستادیم»، «افتیده = افتاده» و غیره نمونه‌هایی از آن محسوب می‌شوند (ناتل خانلری، ۱۳۹۵: ۲۹). این فرایند زبانی که در اصطلاح «اماله» نامیده می‌شود، در قرآن قدس در واژه «وجیب = واجب» عربی وجود دارد و واژه‌هایی چون «lyzym = لازم»، «klyp = خلاف» و بسیاری واژه‌های دیگر نیز در متون فارسی-یهودی تحت تأثیر این فرایند قرار گرفته‌اند (لازار، ۱۳۸۴: ۱۴۷ و ۱۷۶)

## ۵.۲ تحول /h/ فارسی میانه به /x/

همخوان /h/ آغازی و میانی فارسی میانه که در فارسی نو معمولاً بدون تغییر حفظ شده (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۲۳ و ۲۴)، در قرآن قدس در مواردی به همخوان سایشی نرم‌کامی شده /x/ تبدیل شده و واژه‌هایی چون «خزین = هزینه»، «پرخیزکار = پرهیزکار» و «پرخیزیدن = پرهیختن» نمونه‌هایی از این فرایند هستند (کارگر برزی، ۱۳۸۹: ۲۹). این تحول علاوه بر قرآن قدس در متون پازند نیز وجود دارد، واژه‌هایی چون «xunar = هنر» و «xazinaa = هزینه» دستخوش آن شده‌اند و می‌توان آن را از جمله ویژگی‌های مشترک قرآن قدس و متون پازند به شمار آورد.

## ۶.۲ ضمیر سوم شخص مفرد و اول شخص جمع

ضمیر اول سوم شخص مفرد /awē/ ōy/ و ضمیر اول شخص جمع /amāh/ فارسی میانه که به صورت «او، اوی، وی» و «ما» به فارسی نو رسیده‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۱۰۴ و ۱۱۷)، در قرآن قدس تنها به صورت «اوی» و «ایما» یافت می‌شوند (نیکروش، ۱۳۸۴: ۹۴)، به عنوان مثال:

ایما فرود کردیم آنرا قرانی به تازی (= ما برای او قرآنی به زبان عربی نازل کردیم)  
(یوسف: ۲)

اوی اویست که ملامت کردید مرا دروی (=اوست کسی است که مرا به خاطر او  
ملامت کردید) (یوسف: ۳۲)

کاربرد ضمیر سوم شخص مفرد تنها به صورت «اوی» از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن قدس است، اما ضمیر اول شخص جمع در پازند به صورت /əmə/ و در متون فارسی-یهودی نیز به صورت /mʔ(n)/ آمده است (لازار، ۱۳۸۴: ۱۹۳) و این نشان می‌دهد که در سه مورد فوق‌الذکر روند تحول از فارسی میانه، با آهنگ کندتری پیش رفته و هر سه از یک الگوی یکسان پیروی کرده‌اند.

## ۷.۲ تکواژ موصولی نانوشتۀ «-»

ضمیر موصولی /i(g)/ فارسی میانه که در فارسی نو به کسرۀ اضافه تبدیل شده و کارکرد موصولی خود را از دست داده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۱۰۸ و ۱۳۴)، در قرآن قدس به صورت تکواژ موصولی نانوشتۀ «-» حفظ شده است. در ترجمۀ یکی از موصول‌های عربی، در این متن اغلب تنها ضمیر اشاره «آن» آمده است، اما از آنجا که ساختار جمله آوردن یک تکواژ موصولی را ایجاب می‌کند، گمان می‌رود که در این موارد یک نشانه اضافه نانوشتۀ «-» همراه با این ضمیر بوده که در نقش تکواژ موصولی عمل می‌کرده است، به عنوان مثال:

وحي کرد بی بنده اوی آن وحي کرد (= وحي کرد به بنده خود آنچه وحي کرد) (نجم: ۲)

کردی کردن توا آن کردی (= کردی تو آنچه کردی) (شعراء: ۱۹)

ایما داناتر هیم بدان می کهند (= ما داناتریم بدانچه می گویند) (ق: ۴۵)

کاربرد نشانه اضافه به عنوان موصول علاوه بر قرآن قدس در کهن‌ترین متون فارسی-یهودی نیز یافت می‌شود و املاهای واژه‌ها در این متون آن را تأیید می‌کند (لازار، ۱۳۸۴: ۱۵۱ و ۱۷۵)، به عنوان مثال:

(= همه چیزی که خدا آفرید) hm' tsysy yxwd' 'wryd

(= حق آن است که من بر آن ایستاده‌ام) hq 'n hynd y mn pdyš 'ystydh hwm

حفظ ضمیر موصولی /i(g)/ فارسی میانه از جمله ویژگی‌های مشترک قرآن قدس و متون کهن فارسی-یهودی است که اصالت و کهن‌گرایی این متون را از یک سو و ارتباط گویشی/گونه‌ای آن‌ها را از سوی دیگر نشان می‌دهد و موجب تفاوت نسبی آن‌ها با متون هم‌دوره خود می‌شود.

## ۸.۲ تمایز دو حرف اضافه «ب/بد» و «بی»

تمایز حرف اضافه «ب/بد» با حرف اضافه «بی» از جمله ویژگی‌هایی است که به جز قرآن قدس در هیچ یک از متن‌های فارسی مکتوب به خط عربی دیده نمی‌شود. حرف اضافه «ب/بد» که بازمانده /pad/ فارسی میانه و /patiy/ فارسی باستان است و در ترجمه حرف «ب» عربی به کار رفته، در این متن با کارکردهایی چون تأکید، قسم، وسیلگی، مکان، زمان و سمت انجام کار دیده می‌شود، به عنوان مثال:

بعزیزی تو وی ره کنم ایشانرا همه (= به عزت تو قسم که همه آنها را گمراه می‌کنم)  
(ص: ۸۲)

بدان جهن (= به آن جهان) (نساء: ۷۴)

حال آنکه حرف اضافه بی<sup>۱</sup> (با یای مجهول) که در ترجمه «إلی» و «ألّا» به کار رفته، تنها نشان‌دهنده سمت و سو و استثناء در این متن است (نیک‌روش، ۱۳۸۴: ۱۲۵ و ۱۲۶)، به عنوان مثال:

بی رهی راست (= به راهی راست) (بقره: ۲۱۳)

نیست ور پیغامبر بی رسانیدن ([وظیفه‌ای] نیست بر پیامبر جز رساندن [پیام]) (مائده: ۹۹)

تمایز معنایی این دو حرف اضافه علاوه بر قرآن قدس، در متون فارسی-یهودی نیز به وضوح دیده می‌شود. در این متون حرف اضافه /pa(d)/ که به صورت /p/، /p/ و /pd-/ نوشته شده، بارها در متن به کار رفته و کارکردهایی چون مکان، سمت و سو، زمان، روش، وسیلگی و غیره دارد، به عنوان مثال:

sr 'br d'ryd p' nyh'n (=پنهانی سر برمی‌دارد)

'md p' nby'yh (=آمد به پیامبری)

حرف اضافه /bē/ در متون فارسی-یهودی که /by/ نوشته می‌شود، موارد کاربرد اندک‌تری دارد، همیشه معنایی جهت‌نما می‌دهد و با فعل‌های بیانگر حرکت، چون «آمدن»، «رسیدن»، «آوردن»، «فرستادن» به کار می‌رود (لازار، ۱۳۸۴: ۲۰۹-۲۱۳)، به عنوان مثال:

cy frm'nh' by mrdwmn 'wwrd ē (=چه فرمان‌هایی به [برای] مردمان آورد؟)

'yn nby' ... kw xwd' by mrdwmn frstyd bwd (=این پیامبر ... که خدا به [برای] مردم

فرستاده بود)

کارکردهای گوناگون دو حرف اضافه «ب/ بد» و «بی» در قرآن قدس و همچنین دو حرف اضافه /pa/ و /bē/ در متون کهن فارسی-یهودی، از جمله ویژگی‌هایی که می‌تواند نشان‌دهنده تعلق این متون به یک گروه گسترده گویشی باشد؛ گروهی که با وجود تفاوت‌های نسبی، در جنوب کشور و از سیستان تا خوزستان و فارس رواج داشته است.

## ۹.۲ حفظ بن مضارع /h-/ فارسی میانه

بن مضارع /h-/ فارسی میانه از مصدر /budan/ (=بودن)، که در فارسی دری جای خود را به دو بن «بو-» و «باش-» داده است و نشان آن را تنها می‌توان در شناسه‌های فارسی نو یافت (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۳۷-۳۹)، در قرآن قدس به صورت بن مضارع «ه-» آمده و صرف شده است (کارگر برزی، ۱۳۸۹: ۶۸ و ۶۹)، به عنوان مثال:

فارسی نو	فارسی میانه	قرآن قدس	
هستم	hēm	هم	مفرد
هستی	hē(h)	هی	
هست	ast	هست	
فارسی نو	فارسی میانه	قرآن قدس	
هستیم	hēm	هیم	جمع
هستید	hēd	هید	
هستند	hēnd	هند	

متون فارسی-یهودی نیز مانند قرآن قدس این بن مضارع را حفظ کرده اند و افعال /hwm/ (=هستم)، /hy/ (=هستی) و دیگر صورت‌ها این مورد را اثبات می‌کنند (لازار، ۱۳۸۴: ۱۶۷ و ۱۴۹).

## ۱۰.۲ پسوند اسم مصدر ساز «-شت / -ست»

پسوند اسم مصدر ساز /-išt/ فارسی میانه که خود بازمانده پسوند /-išt/ و /-θwa-/ ایرانی باستان است و به صورت «-شت» تنها در واژه‌های محدودی از فارسی نو باقی مانده (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۳۲۳ و ۳۴۳)، در قرآن قدس به صورت «-شت» و در برخی موارد «-

تحلیل ویژگی‌های آوایی و صرفی مشترک قرآن قدس با برخی ... ۲۲۱

ست» برای ساخت اسم مصدر از مادهٔ مضارع به کار رفته است (کارگر برزی، ۱۳۸۹: ۱۰۴)،  
به عنوان مثال:

مصدر	اسم مصدر	فارسی نو
آفریدن	آفرینش	آفرینش
آمرزیدن	آمرزش	آمرزش
زیستن	زیشت	زندگی
گرویدن	گرویش	گروش (=ایمان)
پوشیدن	پوشش	پوشش

این پسوند علاوه بر قرآن قدس، در متون کهن فارسی-یهودی نیز به وفور یافت می‌شود و واژه‌هایی چون /bwzyšt/ (=پوزش)، /xwryšt/ (=خورشت) و /zwyšt/ (=جستجو) در این متون نمونه‌هایی از این مورد هستند (لازار، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

## ۱۱.۲ حفظ برخی واژه‌های فارسی میانه

برخی واژه‌های فارسی میانه که در متون مربوط به گروه گویشی شمال شرقی به ندرت مورد استفاده قرار گرفته یا با کلمات عربی جایگزین شده‌اند، در قرآن قدس، به همان صورت یا همراه با تحولاتی حفظ شده‌اند، به عنوان مثال:

قرآن قدس	فارسی میانه	فارسی نو
اجکهن	ajgahān	تنبل
بدست	padest	تهدید
اکار	agār	بیهودگی
بونده	buwandag	کامل
دواریسته	dwāristag	گریخته

حفظ برخی واژه‌های فارسی میانه از جمله ویژگی‌هایی است که علاوه بر قرآن قدس در متون فارسی-یهودی نیز یافت می‌شود (لازار، ۱۳۸۴: ۱۵۵ و ۱۷۳) و می‌توان آن را از ویژگی‌های مشترک این دو متن متعلق به گروه گویشی جنوبی به شمار آورد.

### ۳. نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های موجود اکنون می‌توان با قطع و یقین بیشتری از جایگاه برگردان قرآن قدس در میان دیگر متون دوره‌ی رشد و تکوین زبان فارسی سخن گفت. این برگردان که به عنوان کهن‌ترین و مهم‌ترین متن گروه گویشی جنوبی در مقابل گروه گویشی شمال شرقی قد علم کرده، در ویژگی‌هایی چون تحول /w/ آغازی فارسی میانه به /g/ یا /gw/ تحول /w/ میانی فارسی میانه به /h/، عدم تحول /d/ میان‌واکه‌ای و حفظ ضمیر اول شخص جمع با متون پازند مشابهت دارد و این ویژگی‌های مشترک که عموماً به حوزه‌ی آواشناسی این متون مرتبط می‌شوند، بر ارتباط زبانی آن‌ها صحنه می‌گذارند و تعلق آن‌ها به یک گروه گویشی عمده را نشان می‌دهند.

متون دیگری که در این میان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، متون فارسی-یهودی هستند و قرآن قدس در ویژگی‌هایی چون تکواژ نانوخته «-»، تمایز دو حرف اضافه «ب/بد» و «بی»، حفظ بن مضارع /h-/ فارسی میانه، پسوند اسم مصدر ساز «-شت» و حفظ برخی واژه‌های فارسی میانه با آن‌ها تشابه نسبی دارد. این ویژگی‌ها که عموماً به حوزه‌ی صرف این متون مرتبط می‌شوند، نشانه‌ی تأثیرپذیری آن از یک الگوی واحد مفقود هستند و قرآن قدس را نیز در کنار متون فارسی-یهودی به عنوان حلقه‌ی گذار از فارسی میانه به فارسی نو مطرح می‌کنند.

آنچه در این میان ارزش قابل توجهی دارد، وجود برخی ویژگی‌های آوایی مشترک میان قرآن قدس و برخی از گویش‌های ایرانی رایج در جنوب شرقی است. تبدیل شدن /w/ آغازی فارسی میانه به /g/ و /gw/ در برخی گویش‌های زبان بلوچی و نیز گویش رودباری و سیستانی از یک سو و تحول /w/ میانی به /h/ در بلوچی و بشگردی از سوی دیگر فرضیه‌ی نگارش قرآن قدس در سیستان و کرمان را ثابت می‌کند و نشان می‌دهد که برخی ویژگی‌های آوایی موجود در متون گروه گویشی جنوبی همچنان در برخی از گویش‌های ایرانی نو رواج و گسترش دارند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. گویش فارسی دری، زبان کهن‌ترین آثار ادبی منظوم یا منثور فارسی است که در شرق ایران در قرن‌های چهارم و پنجم ه.ق. پدید آمد و پس از تن در دادن به فرایند همگونی و قانون‌مندی شکل کلاسیک فارسی ادبی به خود گرفت (لازار، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

۲. این نسخه مترجم از قرآن که با شماره ثبت ۵۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، از آیه ۲۱۳ سوره بقره تا سوره ضحی را در بر می‌گیرد و متأسفانه به دلیل افتادگی در آغاز و انجام، نام کاتب، مترجم و مکان و زمان پیدایش آن نامشخص است (رواقی، ۱۳۶۴: بیست‌ودو).

۳. پازند عبارت است از آوانویسی متون پهلوی به الفبای اوستایی یا در دوره‌های متأخر به زبان فارسی، که به دلیل اشکالات نگارشی خط پهلوی و وجود املاهای تاریخی، شبه‌تاریخی و هزوارش‌ها در آن ایجاد شده است (آموزگار، ۱۳۸۶: ۹۱). بسیاری از متون پازند به دست پارسیان هند نگارش شده‌اند، اما این جمعیت احتمالاً پیش از مهاجرت در حوالی کرمان و یزد سکونت داشتند و با گویش جنوبی زبان فارسی گفتگو می‌کردند (لازار، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

۴. فارسی-یهودی گونه‌ها و گویش‌هایی از زبان فارسی است که میان اقوام یهودی ساکن ایران در زمان‌های مختلف رایج بوده و به خط عبری نوشته می‌شده است (نوروزی، ۱۳۹۴: ۲۱۸) بسیاری از این متون در خوزستان و حوالی فارس یافت شده‌اند و بنا بر نظر صاحب‌نظران به گروه گویشی جنوبی تعلق دارند.

۵. باید توجه داشت که تحولات ذکر شده تنها موارد پربسامد محسوب می‌شوند، قطعی و حتمی نیستند و همواره استثنائاتی نیز در آن‌ها به چشم می‌خورد، که از آن جمله می‌توان به تحول واژه‌هایی چون gurg «گرگ» و gursag «گرسنه» در فارسی میانه و واژه‌هایی چون گل، بزرگ، وزغ، ورزیدن، گزند و ... در فارسی نو اشاره کرد (باقری، ۱۳۸۳: ۶۸ و ۷۱-۷۴).

۶. دارمستتر (۱۸۸۳: ۴۰) صورت‌های bahōt و šahōt را به بدخوانی صورت‌های پهلوی معادل آن‌ها نسبت داده، بار (۱۹۳۹: ۴۱۹) برای این صورت‌ها نوعی واقعیت آواشناختی قائل شده و لازار (۱۳۸۴: ۱۸۸) با داده‌های مربوط به زبان‌ها و گویش‌های دیگر به تبیین آن‌ها پرداخته است.

۷. این حرف که با عنوان «ذال معجم» شناخته می‌شود، در دوره‌های بعد معمولاً به «د» تبدیل شده، تنها در چند کلمه کتابت آن محفوظ مانده و تلفظ آن مانند «ز» است (ناتل خانلری، ۱۳۷۷: ۷۵).

۸. این احتمال که by از «ب» عربی آمده یا بازمانده abi ایرانی کهن باشد، ضعیف است. احتمال دارد که by تخصیص معنایی ادات BR' در پهلوی باشد که در تأکید حرف اضافهٔ օ به کار رفته است، مانند bē օ (مکنزی، ۱۹۶۸: ۲۵۵).

## کتاب‌نامه

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶). *زبان، فرهنگ، اسطوره (مجموعه مقالات)*، تهران: معین.  
ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵). *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: سمت.

۲۲۴ کهن‌نامه ادب پارسی، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳). *ماده‌های فعل‌های فارسی دری*، تهران: ققنوس.  
ارانسکی، یوسف (۱۳۷۸). *زبان‌های ایرانی*، ترجمه علی‌اشرف صادقی، تهران: ققنوس.  
اشمیت، رودیگر (۱۳۸۵). *راهنمای زبان‌های ایرانی*، ترجمه زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، ج ۲، تهران: ققنوس.

باقری، مه‌ری (۱۳۸۳). *واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی*، تهران: قطره.  
تفضلی، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: سخن.  
رواقی، علی (۱۳۶۴). *قرآن قدس*، تهران: مؤسسه فرهنگی شهید علی رواقی.  
صادقی، علی‌اشرف (۱۳۵۷). *تکوین زبان فارسی*، تهران: چاپخانه مرکز تولید انتشارات دانشگاه آزاد ایران.

صادقی، محسن و راشد محصل، محمدتقی (۱۳۹۰). «نمونه واژه‌های قرآن قدس در گویش‌های خراسان جنوبی»، *مجله زبانشناسی و گویش‌های خراسان*، دانشگاه فردوسی مشهد، س ۳، ش ۴.  
صدیقی‌نژاد، سپهر، مطلبی، محمد (۱۳۹۷). «مطالعه تاریخی سه جفت آوای خاص در گونه رودباری قلعه گنج»، *مجله زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، س ۳، ش ۵.  
صلاحی‌مقدم، سهیلا (۱۳۹۲). «بررسی دو ترجمه آغازین، با دو گویش از قرآن»، *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، ش ۲.

عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۶). *قرآن فارسی کهن*، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.  
قاسم‌زاده، بهجت (۱۳۹۷). *واج‌شناسی تاریخی و ساخت ارگانیو فعل در چند گویش بلوچی*، پایان‌نامه دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
کارگر برزی، مریم (۱۳۸۹). *بررسی زبانی برگردان قرآن قدس (ج ۱)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.

لازار، ژیلبر (۱۳۸۴). *شکل‌گیری زبان فارسی*، ترجمه مهستی بحرینی، تهران: هرمس.  
محمدی‌خمک، جواد (۱۳۹۰). *واژه‌نامه سگزی*، تهران: سروش.  
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۷). *تاریخ زبان فارسی*، ج ۳، تهران: فردوس.  
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۹۵). *دستور تاریخی زبان فارسی*، چاپ دهم، تهران: توس.  
نوروزی، حامد (۱۳۹۴). «دستور فارسی-یهودی متقدم»، *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (ویژه‌نامه فرهنگستان)*، س ۴، ش ۵.

نیک‌روش، حمیدرضا (۱۳۹۴). *بررسی آوایی و صرفی ترجمه قرآن قدس و مقایسه آن با ترجمه سوره مائده*، ترجمه تفسیر طبری، و تفسیر تاج التراجم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

Elfenbien, Joseph (1989). "Baluchi", *compendium linguarum Iranicarum*, Wiesbaden, pp.350-362.



تحلیل ویژگی‌های آوایی و صرفی مشترک قرآن قدس با برخی ... ۲۲۵

Filiponne, Ella (2011). "The language of the Qoran-e Qods and its Sistanic dialectical background", *M. Maggi and P. Orsatti (Eds.), The Persian Language in History*, Wiesbaden, Germany: Dr. Ludwig Reichert Verlag.

Kent, Roland Grubb (1953). *Old Persian*, New Haven.

Korn, Agnes. (2005). *Towards a Historical Grammar of Balochi*, Wiesbaden.

